

کارنامه  
کانون نشر حقایق اسلامی  
مشهد

نشریه یکم

اسفند ماه ۱۳۳۶

بهاه ریال

---

شرکت نسی چاپخانه خراسان

## یاد آوری لازم

از خوانندگان محترم نمنا میشود که قبل از قرائت افلام را تصحیح نموده

پس از آن شروع فرمایند . با دقت کاملی که در غلط گیری بعمل آمد متاسفانه برخلاف انتظار افراط فراوانی بجای مانده است و ما از بسیاری از آنها که زبانی بمقصود وارد نیارود و خواننده میتواند حدس بزند که درست آن چیست مانند حذف حرف عطف و یا کم و زیاد شدن نقطه و امثال آن صرف نظر کردیم و تنها افلامی را که ممکن است معنی را تغییر دهد اینجا یاد داشت و تصحیح نموده ایم .

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳	۱۰	صلاح	اسلاح
۳	۱۲	ايراز	ابزار
۶	۲	وعقل	عقل
۶	۲۰	متوازع	متواضع
۹	۱	بوجود	موجود
۹	۱۱	شرشماری	سرشماری
۹	۱۹	مانيز	مانيز میکنند
۱۰	۲۱	المرب	الغرب
۱۰	۲۱	وامسا	فاسا
۱۱	۱۱	روح	و روح
۱۱	۱۳	وار	از
۱۱	۱۷	ودستگاه	دستگاه
۱۱	۲۰	ميبانند	ميباشد

بسم الله الرحمن الرحيم

ماودگران مستعده يداری بیرون ادیان منسوخ و در خواهی بدین ماباع دین چوید

اسلام و ترقی و تعالی آنها و تنزل و انحطاط ما و فسادت و کوشش آنها  
و سستی و لایقی ما و عزت و قدرت آنها و غولری و ناتوانی ما و وحدت و اتفاق  
آنها و پراکندهگی و نفاق ما شعامت و جلوت آنها مرغوبیت و ضعف نفس ما  
و خلاصه ملاحظه آنیم که سال از آنرا و اینهمه نفس از ما هر چشم بینا و هر منتر  
حساسی را منتر میسازد شکفتا! طرفداران کسی که از حیت لفظو معنی مردمانه  
ملتی زنده باشند و بیرون کتب مقدسیکه از هر جهت زنده است (قرآنی)  
چانهایی مرده، آنان که کتا بهائی پیشان گویند و اکنده از عرفان است دلاری  
افکاری نو و حقیقی باشند و ما که قرآنیان همواره نو و سراسر حقایق است  
بگفت برست و خرابی محسوب شویم؟

نظری بقدر اسلام اگر بعد اسلام برگردیم دنیا دگی اینحال را  
میان مسلمین و دیگران می بینیم مسلمانیان آرزو با اینکه تقریباً سه هزار  
پلوکتر از مسلمین امروز بزودند و در کشوری ویران و سوزان میزبانند و از  
داشتن همه گونه لوازم ملای محروم بودند و از تمدن و دانش بهره ای نداشتند  
در مدتی اندک چنان پیشرفتی حاصل کردند که افکار مورخین مبرز جهان در  
کشف ظل آن سرگردان مانده است بگفت شتر چران مرستان که در میدان

ص کبیح	غلط	سطر	صنحه
طلب	طلب	۸	۱۲
ما بندا	لا بندا	۹	۱۲
عاشی	عارجی	۱۳	۱۳
۱۳۲۵	۱۳۲۶	۱	۱۴
سلطان	سلطان	۹	۱۴
المام	المام	۱۰	۱۴
من دینک	من	۱۰	۱۴
الام	الام	۱۸	۱۴
میان همه	میان همه	۹	۱۵
رفع	رفع	۱۰	۱۵
مرغوبیت	مرغوبیت	۱۸	۱۵
و حوزة	حوزة	۲۰	۱۶
همه کارهای بیک	همه کارها	۶ از پاروتی	۱۸
ناروا است	ناروا است	۵	۱۹
یا کراهت	ما کراهت	۸	۱۹
برادران کانونی	برادران کانون	۱۴	۱۹
فقر او	فقر او	۳ از پاروتی	۱۹
موفق	موفق در	۱۶	۲۰

از تصحیح لغاتیک ممکن است خواننده خودش غلط بودن آن را بنویسد  
صرف نظر کرده.

لم یزد و کم آن نیست جز بر مدور از یکدیگر بسطی و بسطی در گذر میکند اندک  
 یکباره مجتمع شده قدرت و عقلی یافتند حکمه مغرب ملل عالم را شکافتند  
 و کرن تا کرن را زیر سلطه و حکومت خویش در آوردند و ممالک آید جهان  
 را تصرف شدند نه بر جهل و نادانی زده نشین علم پیشروی آفت کرده و نه  
 سنگر های استوار و قلعه های محکم و دژهای آنرا از حمله ایشان جلو گیری کرد  
 مظهر تمدن دیگران دیدگانشان را غیره نسیانست و نیرو های لرزش دشمن  
 دلهای محکمشان را نمیتواند و سیاه کاریهای و سیاست بزرگهای آید آنها  
 مرعوب نمینمود و وفادار ها و رشوه های مترشین آنان را نمیتوانست همان امر را  
 دانایند که مدعا بدهای منکی و جویی را می بر میزند پلانسه علم درس ترجمه  
 آموختند و همان قیامی که عوارض عقل و لغت یکدیگر میساخت میسودند  
 مسلمات و برادر را بنامین یاد دادند و همان چاره نیشی که بر سر بسکونتر  
 خویشا می ریخته بهترین سر مشق گذشت و اینتر شدند و همان بسوا دانایند  
 از همه آثاره عقول خود بر نهاده اند و فرزندان خویش را از ترس فر می کنند  
 زمام اداره ممالک را بدست گرفته اند که نپاسد و روم و شاهنشاهی ایران از  
 عهد زمانداری آنها بر نیامده بودند

المن آنرا از نیکو ترین اندک حقیقت بیند نبوت نبوت غائبه و بر حاف  
 نزل و هم بودند آنها بنکرین خدا و تکذیب کنندگان پیسرات  
 نمیندند که غیر از مسائل و اسباب مادی و ما درای قوای طبیعی نیروی خلق  
 لقمانه است که بر سر سر جهان و هر چه بر آنست حکومت میکند آنها با  
 تسلط بر آیدترین و مترقی ترین کشور های جهان مانند ایران و روم و مصر

و اینها بهشتین علم ثابت کرده که نیروی ابدان فوق تعالیات و بلاهات  
 بسطشان بهمان غوه میانی روح بخش فرستادند که با داشتن قرآن و تلمیذ  
 تلم صحیح آن میتوان کارها کتبخانه و مطبوعات آموختند را کرده با  
 نیروی ابدان و سلاح تنوی ممکن است بر همه علم بیروز گردید با وی آن  
 راه مردان حقیقت جهان و سر حیات را دانستند و آنست که باید دور عقل و  
 دانش دین راه را از چاه شناختن مورثیه خود را بنیکترین وجه لایحه دادند  
 دین حق را بر رسوم ابدان باطل چیره گردانیدند کفر و شرک را بر انداختند و  
 فساد و بیانی را صحر کردید بر لغوی و مسلمات را بر قرار نمودند جور ستم را  
 تلمیذ و عدل و احسان را رنج ساختند آثار و اشعار و علوم و صنایع پیشین  
 را که بی سیر راه فنا بود احیاء و سپس صلاح نمودند و بر آید از ملل یاستان  
 اقتباس کرده بودند مقدار مستانهی از تالیفات زحمات و صنایع انظر و اینکا رفت  
 خویش افزودند و از ایرتق و مصالح کماح ویران شدن تعمیر بنامه ساعدهی خویش  
 با استادی و هنر مندی تمام پایه های تمدن امروز را بنی گذاشتند و بشریت  
 از خود را الی الابد مرهون مسامی خویش نمودند و تمام پند شان را هر چه  
 بر چشته تر بر صفحه روزگار بسطت و سر پندای نگذاشتند و خلاصه سعادت  
 دنیا و سعادت بنی را جمع ساختند درخت طوبیای اسلام را بر زمین و بلرز  
 کردند تا دانه های بر بر و قرآن مشرق و مغرب را همرا گرفت و بر سفید و  
 سینه سایه افکند و از میوه های شیرین رسویدندش همه تقسیم کرد و گذاشتند  
 اگر بیطرفانه در طلق آنهمه کامیابی بیستبر بر دوزیم و از روی اصاف بتولایم  
 بزرگترین عوامل اندوختههای بیستند : آن ترقی و تعالی و سعادت و بر افروزی

حیرت بخش را کشف نمائیم جز باین نتیجه نخواهیم رسید که قوم کالوامح  
 الله فکان الله معهم یعنی آنها با خدا بودند و خدا هم با آنها بوده دادند و آنها و همه  
 داد که اگر او را باری کنند آنها را باری کند و قدمهاش را استوار سازد  
 ان نصر و الله بنصرکم و یثبت اقدامکم آنها را با الهی بنصر کند و فرزندانشان را  
 بنصرت حق دین او را باری کردند و پیغمبرش را کمک نمودند خدا نیز بوعده  
 خود وفا فرمود یعنی آنها را باری سکر کرد و بر همه ملل جیره کرد باید آنها  
 فرممن انقوا الله حق تقیه و لا تمونن الا و اتم مسلمون و انتم صواب  
 انشعابها و لا تقرقوا را بگوش جان شنیدند و از سبب دل بکار بستند آنان  
 در مقابل همه تجویزات و اسلحه دشمن سلاح تروی داشتند و تا دم مرگ خودشان  
 را تسلیم اجتناب نمودند و مصالح جامعه را بر منافع شخصی فرج دادند و یعنی  
 حقیقی همه مسلمان بودند آنها برشته خدای جنگ زده همست و متحد شدند  
 و از پراکندگی و بدگمانی نسبت بهم سخت بر حذر بودند اینهاست سر ترفی  
 و پیشرفت مسلمین صدر اول و تمدن همین موجبات و اسباب است بزرگترین  
 عوامل انحطاط و تنزل و بدبختی و پینچلرگی مسلمانان امروز  
 امروز مسلمین مسلمان امروز از همه گونه وسائل مادی بر غور دارند  
 از حیث عده چند هزار برابر مسلمانان صدر اسلام در موقع فتح ممالک جهان  
 میباشند از حیث مسکن پهنادترین کشور جای آباد و بر نعمت عالم را از کنار  
 قیروس اطلس تا اواسط چین متصرفند کشورهاییکه عظیمترین مراکز تمدن  
 آفاق و مسکن مشرفترین ملل باستانی و باطنی بزرگترین پادشاهان جهان  
 بوده و تهریحترین قطعات روی زمین است

مگر بکامله کوچک اینممالک یعنی سرزمین و اقیانوس میان دجله و نیل مسکن  
 اعظم دول عالم مانند آشوریان، فینیقیان، بابلیان، کلدانیان، لاریانیان و غیره  
 نبوده است مگر فرانسه مصر برای تسلط بر یکساعت کوچکیتر (دره نیل)  
 دعوی خدای نموده و مگر خسروان ایران بواسطه سلطنت در ستم دیگر  
 این اراضی پادشاهان ملایب نگشند؟ امروز همه این کشورها باساخته چند برابر  
 آنها از ممالک دیگر در اختیار مسلمین است اراضی حاصلخیز، دو باغ و  
 رودخانه های مهم، معادن پر سود، آب و هوای پاکیزه و خوش و خلاصه همه  
 گونه وسائل مادی و تروتیهای طبیعی و نعمتهای خدادادی را دارند با اینحال  
 مردم فقیر و بیچاره و ملتی زبون و بدبخت میباشند ملای که مانند کمر بنداز  
 شرق اقیانوس تا مغرب افریقا پیوسته بهم سکونت دارند هرگاه اختلافات نزاعی  
 و سرحدی حتی مذهبی را کثیر گذاشته در سابقه بر چم توجیه در آمده پشت  
 پشت یکدیگر گذارند کدام نیروی میتواند بر آنها چیره گردد؟ ولی الفوس  
 که ارتباط شرق و غرب در اثر جنگهای صلیبی و نبره و شکست شکست مسیحیت  
 از اسلام چنان درس حکمت و عبرتی بسپه چون آموخت که از آن پس در  
 صدد بر آمدند که همه اخلاق و رفتار و رسوم عادات و آداب و سنن مسلمین  
 را که رمز تعالی هر ملتی تواند بود اقتباس نمایند و در عوض همه عادات زشت  
 و اخلاقی نکوهیده خود را بتدریج بر مسلمین تحمیل کنند و چون ملل غلور  
 در نتیجه پیشرفت بیست بخش و فوحت بی دریغ بینهایت ضرر و کشته بودند  
 بیرون مسیح با انجام مقصود خویش سهولت موفقی شدند مسیحیون بر اثر ارتباط  
 با مسلمین بتدریج در یافتند که چسودن و تصد نسبت بدین منسوخ خود و اطاعت

و تعبد محض در برابر کتب عهد عقوب و جدید محرف که مناسب زمان نیست و عقل را محجوب و علم را موقوف میسازد آنان را برای همیشه در نادانی و گمراهی نگه خواهد داشت و بیخونی و منکث خواهد گشتند این بود که دانشمندان متفکر در سده برآمده بتدریج از حکومت دین و قدرت کلبا گاستند و راه پیشینیان را رها نموده بتقلید مسلمین و شاکردن آنها عقل را حاکم و علم را رجهت همت خویش ساختند و از ذلت بجزت و از شقاوت بسماوت رسیدند و از طرفی از حریف زورمند و توانای خود که مسلمین باشند و مغلوبیت و شکست قطعی خود را در مقابل آنان چشم میبندند غافل گشتند و چون برعکس روش خویش سر نمایی و ترفی آنها را تبعیت از قرآن و دستور های متین و منهد آن می یابند ناچار بچلره جوی پرداختند تا این آنها و قرآن نامه ایجهت نمایند و از حرارت ایمان در قلوب مسلمین بکامند و جهت وصول باین هدف همه طور وسائل برانگیختند بطوریکه قبلا اشاره شد قرآن نخست عقاید پاک و معقول خداپرستی و اعتقاد بروز یلدان را ایمان به محمد (س) را با آنچه بر او وحی شده است در دل های پیروانش راسخ ساخت این عقاید مردم را برهیزگر و با قوی بلرمی آورد سنت تقوی مستلزم از خود گذشتگی و تسلیم در برابر اجتماع بود در این مرحله اشخاص شایسته نام مسلم میشدند زیرا اسلام بمعنی تسلیم است در اینحال اراد خود را ندیده و نمیشناختند آنچه در نظرشان اهمیت داشت سود و ذین جلسه بود که برای جلب و دفع آن میکوشیدند و از جان و مال دریغ نداشتند باین ترتیب قهرا هر فردی نسبت بالاراد دگر مهربان محیر خواه ' دل سوز' متواضع ' باگذشت و سببی بود بدبھی است اتفاق و اتحاد چنین مردمی حتی

و تفرق و اختلافشان منتخ است و افراد این جامعه مانند اجزاء بکنن هدبگر را نگه میدارند و چون اعزاء بکبدن بکدبگر را کمک میرسانند و بر کرد هم میچرخند ایها قاصح بکدستور قرآن بود که در شن چند جمله کوتاه دارد (انقر الله الع) آنوقت این جامعه بکدل و بکزهان را قرآن بتعلی و تعلم و امیدارد در سراسر این کتب شریف مردم بکسب علم و بکار بردن عقل تحریرش میشوند آیا جز ایمان و تقوی و وحدت و عقل و علم عامل دیگری هم برای ترقی و تعالی ملل از گذشته و آینده بوده و خواهد بود ؟ آیا چنین کتابی طرف قیاس با کتبی که در سراسر آن نسی از عقل و علم برده نشده میباشد ؟ اروپائیان همین اندازه که متوجه زبان تعلیم و تعلم نوران و انجیل شده از نفوذ آن گاستند و قدرت کلبا را از میان برداشته دین را تابع سیاست قرار دادند حد چندان فوائد تاثیر قرآن را دریافته از آن جلوگیری کردند زیرا آنها دانسته بودند که بکنته متکی و عابهار چه بدتر و تلخان تر باشند غلامانی بهتر خواهند بود ویر واضح است که مملکت مستعمره طلب محیی هرگز نمیخواهند که ملل شرقی بوسیله تعلیمات قرآن رشید و بیدار گشته از غلامی و بردگی آنان رهایی یابند این است که با تمام قوی کوشیدند تا مسلمین را از فرا گرفتن قرآن و اطاعت احکام و دستورات آن باز دارند و مناسبانه موفق شده مسلمین را باین روز سیاه نشانند از اینجا معلوم شد که ترقی اروپائیان و انحطاط ما از بکشمه شروع گردید آنها از وقتیکه دین منسوخ شود را کنار گذاشته مراعات نامی عقل و و پاری کلا و کوشش عزت و سر انرازی یافتند و مالا ساحتی که از نورانی

قرآن روی نغمه‌ها حرکت و قدرت و استقلال و عظمت غیری و سعادتی را  
 که پیشینان مانند برتو دیانت کسب کرده بودند از دست دادیم  
 ستر شد الذرب بالماضی فارشده **و قمن کان لنا ماضی لنبناه (۱)**  
 الم یان للذین آمنوا ان تصح قلوبهم لذكر الله آیا وقت آن شده  
 که مسلمین بخود آینه و بیاد خدا بیفتند آیا باید چانه اسلامی برای رهایی  
 از این بدبختیها چاره‌ای اندیشد؟ آیا کسی میتواند عزت و سر بلندی  
 و سعادت و کامیابی شرف الماده مسلمانان نخستین را انکار و یا  
 آن ترقیات پیشتر را بشیر قرآن استنباط دهد؟ ما هم که مسلمانیم ما هم که  
 خود را پیرو همین کتاب آسمانی میدانیم پس آن بدبختی و تیره روزی چرا؟  
 ان الله لا یغیر ما نعوم حتی یمروا ما باقسهیم خداوند عتقی بر دمی  
 نمیشد بختیبد بدون جهت از آنان پس نتواند گرفت تا خودشان وسیله  
 تغییر آن شوند مسلمین آرزوی برای آسانی بر جوش و حرارت و اعتقادی  
 ثابت و استوار بودند و ما در عذاب خود مست و سرد و گرفتار شک و تردیدیم  
 آنها اهل تقوی بودند و در نتیجه راستگو، درستکار، صالح، نکوکار نوع  
 دوست، منصف و متعهد بودند و ما از تقوی بی بهره ایم و در عوض دروغگو  
 خائن، ناسد، نیکو شکنج، بی انصاف و تجملی و غرور غول بوده حاضریم  
 لژی بنگسود مدعا زبان بجهت برسانیم آنان هندست و متعهد و نسبت بهم  
 مهربان و پاییکانه دوست و شدید بودند (رحماء بینهم اشداء علی الکفار)  
 و ما نسبت بینگدیگر طوری رفتار میکنیم که کافر با مسلمان بدبینگوت سادمانه  
 نمیکند آنگاه بقدری بیگانه برست هستیم که تمام اعمال و آداب و عادات آنان  
 را بنظر تو غیر و احترام بینگرم .

(۱) اروپا در گذشته به گرفت و دستگیر شده ولی ما سابقه درخشان خود را از یاد بردیم

خلاصه امروز همه عوامل انحطاط بلکه موجبات فنا و زوال در جامعه ما بوجود  
 است و چون درست عمل بنمایش آنها را جستجو کنیم بغوی می بینیم که تمام  
 ن مفاسد از بی ایمانی و نداشتن تقوی سر چشمه گرفته است چنانچه همه ترقیات  
 موجبات سعادت و سعادت مسلمانان نخستین مولود ایمان و تقوی بود منتسب و  
 بگوید کشور آن وقتی بزرگترین کشورهای دنیای قدیم بودند و اقتدار خود  
 را در سبب داشتن تقوی بدست آورد ولی هنگامیکه رو با انحطاط رفت و برده مطلق  
 بگر کرد در اثر از دست دادن تقوی بود و همین کشور و قتی در مقابل حمله  
 ایرانیان مقاومت نموده یونانیان را حفظ میکرد و همچنین ایامی که از امپراطوری  
 یونان در مقابل اسپارتنی ها دفاع مینمود و بجز بره سیل حمله میکرد فقط  
 بیست هزار نفوس داشت و وقتی هم که دهمتریوس در فلات یونانیان را مثل  
 غلامانیکه در بازار میشمارند شرمشملی کرد و آن دچار بدبختی گردید میبود  
 بجز هم بیست هزار نفوس داشت پس کبیت نفوس تا تیری در نرفش و انحطاط  
 آن نداشت فقط اخلاق (پستی وجود و عدم تقوی این و ذمات را ایجاد ایجاد  
 میکرد) و باز میگردد سیاسیون یونان قوه دیگری برای حفظ خود بجز تقوی  
 نداشتند اما سیاسیون امروز ما سبب از کار خانه و تجارت و مایه و ثروت  
 و بجهل میکنند و بس منتسب در کتاب خود (روح القوانین) میخواند  
 در زمان خود زمامداران فرانسه را بیدار و متوجه سازد که باید ملت و مشا  
 تعدن و ترقی را با ملت که تقوی باشد نه اینکه شیفته ممالوت و نوازم تمدن بود  
 امروز این اشتباه را بیشتر روشننگران و بزرگان را اصلاح طالبان ما نیز

و پادشاه نوری ملت را بیرونی تقلید از ملل غرب و امپراتور و راه چیره و رسیدن  
 به سعادت و علاج این مناسبت و انحصار بزرگ تمام آداب و سنن ماسی و حتی  
 معتقدات دینی و اقلیت همه عادات آداب اروپائی تصور میکنند بدین است که  
 مولد این فکر هم خود لورویانند همانطور که گفته شد آنرا در وقت ترقی ملل  
 شرقی و موادمسلمین به رومی و اهل مغرب و ملای با آفتاب و سیادت خود  
 میدانند از این جهت پادشاه نوری میگردند تا ملتشان به ملت پیشینی و بیچگونگی خود  
 می نبرند میزاد و مردم چیره بر آید و همه گونه وسیله بر می آید بکنند تا ملل اصلی  
 مسلمان و دینی را در نیابند این است که به دردمان نادر و جوانان خود خواه  
 ما اینطور دانود میسکند که هر ملت شرقی با یکدیگر جاه و راه آهن سینما  
 شتر و غیره مانند در وضع شهرها و طرز عمارات و اسلوب معشرت حتی دولتی  
 پوشیدن و غذا خوردن باید روش اروپا را در نظر بگیرد و در قس و موسیقی و  
 استساق مشروبات الکلی و سایر را از ضروریات اولیه زندگی امروزی معرفی  
 و در این ساحتها و ممالک از اینکه اروپا بوسیله این چیزها مدارج ارتقا را  
 پی برده است هر چند پس از ترقی این امور را هم دانسته است بلکه ملت پیشرفت  
 آنرا حاصل علم و صنعت و پیشرفت فعالیت و اخلاق و وحدت بوده است  
 بطوریکه زندگی اروپائیان دلرای محاسن و منایب است محذوران آن  
 مولود عواملی است که قرآن بکسب آنها نوری فرموده و اروپائیان از مسلمین  
 فرا گرفته اند سببش سعادت است که خود مؤسس و مخترع آن بوده یا از زبان  
 شان پلوت گرفته اند فعلا آنچه را با مسائل مکتبه مملکت شرقی ترویج میکند  
 همان چیزهاست که اگر آنها را بدینست و بیچاره نسله بیباخت و نیرومند و سر  
 لفرز فراموش کرده اند اما مشی و راه العرب لاجرم انوار و اساطین با هم ادبایی

اروپا و قسیم تا از فروغ تمدن و انوار دانشش اقبالی نامی هم شراره هایش ملرا سوزاند  
 از روزیکه اروپا در جامعه ما ظهور نموده تاکنون می بینیم از علاقه مردم  
 نسبت بدین و تیبیت آنها لوزقران به مقدار مستلیمی کاسته شده است مخالفت با  
 روحانیون و بیگانه است زبان عربی مورد تمسخر و استعزاز قرار میگیرد چرا  
 باید اروپا و امریکا با همه مداین که کتاب دینی آنها داراست از آن طرف فداری  
 میکنند و معتقدات خود را با اینکه آمیخته با مود و غیره مقبول و عرفانی است محترم  
 شمارند حتی برای نشر این عقاید و ترویج آن کتاب سالی ملیونها پول در کشور  
 های غیر مسیحی صرف نمایند و چرا هنوز از روحانیون خود با همه جذابیت بی  
 مانندی که کرده اند طرفداری مینمایند آنوقت کتابی را که وسیله بزرگترین  
 نهضت های تاریخی بشر شد و چربین تاریخ را عوض کرد و جوامع انسانی را در مسیر  
 نژادهای انداخت روح نوینی در سرده بد  
 و هنوز هم از آسمان رقت و عظمت انوار منوری خود را در همه افاق جهان  
 می پراشکند و از نظرها بیندازند و عطا پذیرا که تنها سبب آسایش دنیا و نجات  
 آخرت است از طریق مختلف در انظار عده ای مورد حمله و ایراد ساخته پادست کم مشکوک  
 و مردم سزاند و علماء اسلام را که در تمام ادوار تاریخ بزرگترین خدمتگزاران  
 جامعه از همین آنها بر میخواست و هیچکس یکی از هزارها اهل شرم آو و در مقام  
 بیحد و حصر رد نگاه روحانیت مسیحی از آن مشاهده نکرده و بر خلاف آنها  
 که مدولر و نوع پیشرفت علوم شدند بود اند این بزرگان خود مروج فن بوده  
 و در علوم غیر دینی هم هزار و شاعرانی است بجز از همین روحانیون و ائمه خواجه  
 طوسی و شیخ بهائی و غیرهم میباشد منهم و منقول کنند و زبان عربی را که زبان  
 قرآن و مذهب ماست به علاوه طوری بطورسی آمیخته است که انفکاکش معال و



صرف نظر کردن از آن گذشته از اینکه غیر ممکن است مستلزم صرف نظر نمودن  
 از آثار جمیع مفاخر تاریخی ما و کنار گذاشتن همه اسناد ملی و شاهدکارهای علمی  
 و ادبی ما باشد مورد طعن و درخشند قرار دهند اگر اختلافی چه سبب مسخرگی  
 است چرا زبانه‌های بیگانه دیگر بر آنکه بر آن دور تر از لجه و زبان و ذهن ماست  
 تمسخر میکنند بلکه بعکس در ترویج آنها میکوشند  
 بلای ما همین دلائل و هزاران آداء دیگر تنها راه وصول به سعادت را برای عموم  
 ممال شرقی و غروب ایران منحصرا بیرونی از حکام دین و اعیان پر شده خدائی  
 که قرآن است میدانیم ما معتقدیم که هر جمعیت اصلاح طلب با هر قوه و قدرتی  
 که داشته باشد از غیر این راه موفق به هیچ کاری نخواهد شد تا به خدا ایمان داریم و  
 قرآن را گفته او میدانیم و عقیده داریم که سخن دروغ و باطل در آن نیست او  
 بها میگوید سستی نکنید اندوهگین مباشید و شما برتر و بالاتر از همه ملل  
 خواهید بود اگر دارای ایمان باشید و لاله‌ها و لاله‌زوا و اتم الاعلمون ان  
 کنتم معلومین و باز میفرماید (العرضة لله وللرسول وللمؤمنین) عزت خاص خدا  
 و پیدایر و اهل ایمان است بنا بر این ما بقیین داریم که اگر ما بخدا بر گردیم  
 و اهل ایمان شویم و درست با حکام و دستورات قرآن عمل کنیم خداوند همان  
 عزت و قدوت و شوکت و سعادت از دست رفته ما را پسا بر خواهد گرداند  
 دوری این فکر و نافر بینهایت از این تشنه فکری و شیوع مفاسد و اختلاف تدبیر  
 طبقاتی و هزاران بدبختیهای دیگر در سدد بر آمدیم سهم غوه در مصالح ما را  
 اجتماعی کوشش و تولید دینی و وجدانی خویش را در حدود استطاعت و قدرت  
 انجام دهیم و دین خود را نسبت بسلت و زمین ادا کنیم و خدا را سپاسگزاریم

که از سه سال پیش تا کنون موانع بانجام خدمت بزرگ کرده ایم  
 بی رکت قرآن همه بسیاری از جوانان تحصیل کرده را که پکلی از دین بیگانه و دلرایی  
 افکاری بس مسموم بودند بشاهراه هدایت نودده ایم و افراد پیشه‌مندی را  
 که در انجام تکالیف دینی لاقوه بودند بانجام آن مقید ساخته ایم و دانش آموزان  
 زیاد را که مستعد بوده اند با سلحه آداء محکم مسلح نموده ایم که هم اکنون چه  
 در مرکز و چه در سایر شهرهای ایران یا خارجه در مواضع مقتضی بجهد و دفاع  
 علمی مشغولند از خدمات خود ما را مطلع و هم مسرور و منتشر میسازند در سخنرانی  
 های دینی و تبیین قرآن مجید و بیان مسأله خاندان جلیل پیشبر و اولاد آن  
 بزرگوار سبک نژادی بوجود آورده ایم که مورد پسند عموم از متقدم و متجدد  
 واقع گردیده است و در همین حالی که جوانان و دانش آموزان دبیرستانها آموزش  
 پذیر استقبال مینمایند علما و روحانیون نیز سهم خود تحریر و تدبیر فرموده اند  
 این خود بزرگترین دلیل است که روحانیون میرزا ما بیوجه طرفدار جدود و  
 طرف با پیشرفت و ترقی هستند و اگر گاهی با جریان خارجی مخالفتی نشان  
 داده اند از اینجهت بوده است که آن را مخالف دین تشخیص دادند ما جمیع  
 آوری اشخاص صالح و دین باور و تربیت و تهذیب افراد مستعد پیش از هر تشریح  
 و هر گونه سخنرانی اهمیت میدهم و ترویج دین را از راه عمل پیش از هر  
 طریقی مؤثر میدانیم لذا با ابتکار همت گماشته و در راه وصول باین منظور فعالیت  
 شدیدتر و صرف وقت بیشتری کرده ایم و تا کنون از طرف مخالفین دین بزرگ  
 مالدون مواجه با اشکالات و شد آمدی طاعت فرما شده و جز لطف  
 خدا و عنایت عالیه از راجح بک اولیای او هیچ پشتیبانی نداشته ایم تا در محرم

سال گذشته ۱۳۱۶ جمعی از غیر خواصات با ما موافقت نموده  
 - معطی ثبت برای سخنرانی و تفسیر تهیه کرده و انتابه لازم آن را از هر جهت  
 خریداری و تهیه و مستفوج آن را از کسبه فتوت خود پرداخته اند و چون جمعیت  
 حمایت آئین منجی گرفت و از بیسالی بجهت یافتن و از ایاد ما بعد ملت خود مجالی  
 پیش پیدا نموده سر او را تالی میبرد که تا حدی به ساسم و ان و مناسبت با ششاد الا کتون  
 سخنرانی اسلامی) نامیده شد و بخداوند گواهی ماست که آنچه میگوئیم عبرت  
 سلف و آنچه تاکنون کرده با انجام آرا در نظر گرفته ایم صرف حق و حق صرف  
 بوده و جز استقامت او امر او در ترویج دین و خدمت جهاد مفرض و هد فی دافعت و ندایم  
 اللهم انک تعلم انه لم یکن الذی کان منافسه فی سلطان ولا التماس  
 شئی من قدر له الحظا و لکن لشره المصاوم من و نظیر الاصلاح فی بلادک  
 (بجای الهایه) بار خدایا تو میدانی که ما از این اقدام که کرده ایم و در جها که تحمل  
 نموده ایم حسب جاه و مقام نداشته استفاده مادی و کسب ثروت نخواهیم بود ولی غرض  
 و نظر ما ترویج دین و اصلاح افراد و بخصوص طبقه جوان و تحصیل کرده بود و  
 - جهت اعمال گذشته ما اینقدری را ثابت نموده و در آینده نیز اگر موفق بودیم این  
 خدمت شدیم ثابت تر و روشن تر خواهد شد  
 ماند این مقدمه مقصود و منظور خود را همین ترتیب کار خویش را نیز روشن  
 ساختیم که ترویج و تعلیم قران و معنی ما سخن احکام و دستوران شریف آن می  
 باشد با در نظر گرفتن ایام قیام ولی بلازم تا که آفتاب از آنجه راندر نظر گرفته  
 ایم جزء جزء جدا جدا نام میریم تا کسانیکه میخواهند در این راه پامان قدم  
 نشوند با خود چنین روشی ایجاد کنند با بصیرت بیشتری اقدام فرمایند .

### نیات ما

- ۱- نیات لزوم دین و بیعت فواید دنیوی و اخروی آن و مشربینینی
- ۲ - اثبات حقانیت دین شریف اسلام و اینکه شعاره سعادت بشر منحصر  
 بیروی از این دین است مقدس و بکارستن احکام متین قران مبین است
- ۳- نیات غلط بودن روش امروز مسلمان و بیان تسامح و تقه بریکه نسبت بهین  
 خویش میباشد و لزوم فعالیت کامل در تعریف و ترویج آن و در جواب چه بود آمدت  
 از این فطرت و کسالت و بیخبری به طور سریع و فوری
- ۴- ایجاد حرارت دینی و غرور ملی و تقوی دینی و سیاسی (۱) در قلوب زن  
 و مرد و پیر و جوان و عوام و خواص
- ۵- ایجاد اتحاد و مسیبت و تقویت حس همکاری و همدردی هر میان مردم  
 افراد و طبقات مسلمین و کوشش در دفع سوء تفاهات و بدبینیها و بدگمانیها که  
 دشمنان اسلام به مسلمانان می افروزند در شکل و لباس و سلیقه و امثال آنها  
 در بین مردم یکجا انسجیت زیاد و قومیت و مبین و مذنب و زبان و جهت متعدد دیگر  
 باهم متحد و متفقند بوجود آورده اند
- ۶- میلرزه شدید باعنه مفاسدیکه اساس ملت و مذنب ملوا متزلزل ساخته  
 و آن بان در خویشی و بدبینی ما افزوده بنامو حلاکتان تهدید میکند از قبیل نمانی  
 نومییدی ، کاملی و بدبینی ، منکرات و الهیون ، قسرو فحشاء و غرافاتیکه در امور  
 دینی فتوت علمی ، شایسته اجتهادی و نظیه آداب و رسوم ما رواج یافته و  
 مرغوبیت فوق العاده و وحشت غیر عظامی و بیمنشی از سیاست از روی حسبه کاری بیگانه گنجان  
 (۱) تقوی سیاسی یعنی پاک و دینداری و در نظر گرفتن صلاح کشور و ملت  
 است و در طبقت جزای از منشی تقوی دینی است

۲ - تهیه تعلیم قرآن باشد بر آن بدون اصطلاحات بفریح و بیج در بیج علوم  
پسری و عادت دادن علوم مسلمین بشیر در معانی این کتب شریف و امتثال فرامین  
آب یوسایل ممکن در متونوم.

۸ - رواج یافتن امر به معروف و نهی از منکر بشرا بطیکه مشرع همین فرموده است.  
۹ - واداشتن مردم بحفظ حقوق و حدود خود داشتن پشی مسلمانان بدانند  
که هر کس بی حدود و حقوقی دارد که حدودش را غرور او و حقوقش را دیگران  
چاپد رعایت کنند.

۱۰ - احیاء و ترویج شهر مذهبی و عالی با طرز شروع و مسئول.

۱۱ - اثبات موافقت کامل اسلام با علم و تمدن - جمع و یگانگی مناسبه  
تمدن امروز دلد و سختیها و بدبختیها بیکه برلی بشرا بچک نموده است.

۱۲ - دفاع از اسلام و پاسخ اعتراضات بدخواهان و مغرضین با ادله نقلی و علمی.

۱۳ - بالا بردن - علاج افکار عمومی و اصلاح کردن ملت و متوجه ساختن آنها  
بجنايات و غیبتها بیکه یگانگان بطرق مختلف نسبت به مسلمین بوزء ابرائیل  
میتابند و استمداد از بزرگان و دانشمندان و توانگران فعل و رشید و غیر برای  
چهاره روزی و مبارزه در مقابل اینگونه مسائل.

۱۴ - شناساندن مقام و وحدت بیادیه و واداشتن مردم با احترام و تجلیل از  
روحانیون بیکه حقا سزاوار این نام و شایسته این عنوان باشند.

۱۵ - تمرکز دادن نیروهای فکری و علمی و عملی که هم اکنون در راه دین  
چجا جدا و متفرق میشوند و افزون بر این نیروهای مطمع و متمرکز بتدریج

۱۶ - ایجاد انجمنهای سخنرانی و مناظره حوزهای دینی و تالیس کتابخانهها

و مطابع و نشر مطبوعات ملید دینی

۱۷ - واداشتن مسلمین کامل بانجام تکالیف و کدله با یکدیگر و دستگیری  
از درمانه گان و اعانت باشخاص عاجز و بد بخت و اثبات اهمیت این اعمال  
در دنیا و آخرت

۱۸ - واداشتن توانگران بنایه حقوق واجبه و مستحقه الهی و تشویق طلاب  
مستعد و صالح بطرق مختلفه و ترویج و تقویت موسسات و انجمنها و مطبوعات دینی  
و اشخاص مروج و مقدم در امر دین

۱۹ - مبارزه شدید با اشخاص بیکه بتوان خیرخواهی وسیله تفرق مسلمین را  
فراهم نموده بامه و مبلین و هر کس در راه دین قدمی بردارد و یا سخنی بگوید  
در نویسد و یا چیزی بپردازد تمتهای ناروا میزند و در نتیجه اینانرا در اقدامات  
خیرخواهان و سودمندشان دلسرد و دیگران را از آنها مبرمانند و از همکاری با  
آین بزمیدارند و علامه مصداق کامل منام للخیبر معتد ائیم میباشند مگر در  
مورد بیکه دلیل کافی و قطعی و عالم بینی بحیانت و عدم صلاح متهم موجود باشد  
و باید دانست که امروز شره اینگونه اشخاص بلوه سرای در شکوی نهت زند  
که خود دانسته یا ندانسته آلت اجرای افرامش لاسده دشمنان دینند در این  
ایام نسبت بدینان مقدس اسلام از هر چیز و هر کس زیادت و شدید تراست

۲۰ - فراهم ساختن مجالس درس اخلاق و احکام و تعلیم عقاید برای نوبلرگان  
و کودکان بطور بیکه در هر محل دست کم یک مجلس درس باشد تا اطفال مسلمین  
از کوچکی بروش دینی تربیت شده بدان خوگیرند اینهاست نیات ما که بتوفیق  
خداوند بشی از این مقاصد را اجرا نموده و هنرمه بترجهت ولی مسر (ع) بقیه  
را نیز علمی خواهیم ساخت

### وظایف افراد کانون

- ۱- هر يك از افراد کانون نباید در اسول عقاید بتلبد صرف لزیم و ممانع و سبب خود تفاوت ورزد بلکه باید هر حد نعم و علم و سن خود بتحقیر بر داند و آنها را با شکران فرا گیرد (۱)
- ۲- بر این دین که هر مسلمان مقلد بالمره بنابر تکلف است عمل نماید (هر يك از آنها در قرآن و روایات همین تصریح شده است)
- ۳- هر کافر و مشرکی که دارد احکام متعلق بن و ایملد و زود و کفر بنده (۲)
- ۴- از دعای کبیره جدا احتراز نموده بر کلماتی کوچک بزم اسرار نوروز (۳)
- ۵- از فروغ واجب و وظیفه را بپذیرد هم شمرده بدین عمل کند بلکه از تمام افعال و وظائف خود میسر و لازم تر شمرد
- الف- امر بسرف و نهی از منکر بشرایطیکه شرح همین نموده است که از جمله طاعتن آند و انجام سرف و ترک منکر است (۴)
- ب- سی هر کتیم میباید افراد با طیفان مسلمین که بعضی از یکدیگر رعیقت و در میانه اند (۵)

- ۱ - کتابی در اینصورت بایم آنای فریضی بنام اسول عقاید نوشته شده و بطبع رسیده است
- ۲ - این دستور یکی از وجوه مسای عده معروفه طلب العلم فریضه علی کل مسلم است «کتابت نوری»
- ۳ - الذین یحییون کبار الالیم و القوا حیث الا اللیم
- ۴ - امیر المؤمنین میباید نسیب همه کفر ما و جهاد در راه خدا باشد بر هر طایفه ای از منکر مانده نسبت و طریقت بخار دعان است چنانکه بزرگ «نهی البلاغ»
- ۵ - امیر المؤمنین میباید اصلاح ذات البین از هر تبار و دود و پشیمان «نهی البلاغ»

- ۶- باخلاق پاک و نیک متبذ و متخلق باشد که پیمبر ما (ص) فرموده است «من برای تکمیل مکتوم اخلاق برانگیخته شد»
- ۷- برای نامین منظور فوق نامی مکتوم الاخلاق و الزم صیغه شریفه سجاویه و در صورت احتیاج لزیم صیغه مترجم روزی یکبار است کم مقته ای در برابر بخواند (۱)
- ۸- زبان و گوش خود را در الزکات و استماع و اندیشه چیزیکه ظور است است مانند نه ستود و غرور بدگمانی هر یک از مسلمانان نگاه دارد و بداند که بهترین مسلمان ها آنست صفا نسبت به مسلمان دیگر بدگوار بدگمانت بوده باشد او را بدون منع با کرامت بشنود (۲)
- ۹- هر روز قدری از قرآن که میسر او باشد بتوجه بسنی و تنبیه عمل بخواند (۳)
- ۱۰- هر روز یک است کم در هر هفته مس کند قدری از احکامات الهی کسب کند
- ۱۱- صبح که از خواب حرکت میکند تصمیم بگیرد که در آن روز خدمتی با سلام یا کمکی به مسلمین در حد استطاعت خود بنماید هر چند آن خدمت و کمک بسیار اندک باشد و از آن مسلمانان و صدمه بیند ولو خیلی کم باشد بپرهیزد (۴)
- ۱۲- هر یک از افراد کانون بایند نسبت بسیار بر اهل ان کانون با کمال سنجیدگی و محبت رفتار نموده از هر گونه مسافه تکیکه مفذور او است در بدو آنها در بیخ نندارد یعنی رفتار ارامین موس... در حقیقت باید نمونه کامل بر اندری اسلامی باشد (۵)

- ۱ - کانون این دعا را بیلری شما ترجمه خوانند کرد
- ۲ - ولایت ما لیس الله ۶ علم (الح)
- ۳ - قللاً ما نیرت
- ۴ - من اسبح و لم یوم بدور المسلمین فایس مسلم
- ۵ - المؤمنون اخوة

این روشی است که ما از سال و اندی پیش در نظر گرفته و بدون کوچکترین  
تظاهر و هیاهومی بانهایت متانت و بردباری پیش رفته ایم و بلوه سر اینها یکی که ممکن  
است اشخاص ضعیف النفس و کم اراده را از کار باز دارد هیچگونه اثری در ما  
و حتی در برادران جوان ما ننموده است و بمصداق (لا یخافون فی الله و لعلکم تترعون) از  
سزانشها و گفتگوها در راه انجام وظیفه و ترویج دین پاک نداریم و ضمناً  
مواقفت کامل و تشویقات مردان بزرگ از هر طبقه روحانی، اداری، تجاری و کسبه،  
پیر و جوان ما را نسبت به پیروده گومیهای مردم نادان و بی همه چیزی اعتنا نر  
نموده است.

خوانندگان محترم در صورتیکه شما به پیشرفت امور دینی و اصلاحی و ترویج  
شرع و تعلیم و تبلیغ قرآن کریم و احکام آن علاقمند هستید و در این مدت طولانی  
ترتیب کار و روش تبلیغ ما را دانسته و پسندیده اید میتوانید بامکاری خود ما را  
منشور سازید و از کمک فکری و عملی خویش ازمایشی بمانندید و اگر  
هم این طریق را بجهانی پسندیدید اختیار بشماست و بانانید خداوند تو جهات  
ولی عصر ما خود معین تا آنجا که مقدر و مقدر است پیش خواهیم رفت و انتظار هیچ  
گونه مساعدی از کسی نداریم و در خواست موافقت از اشخاص تنها از نظر خیر  
آنهاست نه احتیاج کانون خداوند ما و شما را در انجام وظایف دینی موفق در  
و در ترویج این دین مقدس مؤید بشمارد

پایان